Archive of SID

فصلنامه علمی-پژوهشی
نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی
سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

تحلیل جغرافیایی ژئواکونومی جمهوری اسلامی ایران در معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا

مجید قصاب زاده

دکترای جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد اخباری[1]

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

داوود حسن آبادی

استادیار اقلیم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۸ تاریخ پذیرش:۱۳۹۸/۹/۱۸

چکیده

تقاضای بیش از پیش انرژی از سوی کشورهای صنعتی و تلاش برای دسترسی به انرژی در رقابت‌های اقتصادی بین‌الملل، باعث توجه ویژه به مناطق انرژی خیز و تغییر دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی نسبت به این مناطق شده است. هدف از این پژوهش، تحلیل و بررسی ژئواکونومی ج.ا.ایران در معادلات جنوب غرب آسیا است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام گردیده است. کشور ج.ا.ایران به لحاظ قرار گرفتن بین دو حوزه مهم دریای کاسپین و خلیج‌فارس و دارا بودن منابع سرشار انرژی نفت و گاز و سایر ذخایر زیر زمینی و قابلیت‌های اقتصادی دیگر، در قلمروهای ژئواکونومی جدید، دارای نقش بی‌بدیل به‌ویژه در منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج‌فارس است اما از رهبری ژئوپلیتیکی منطقه و قدرت تأثیرگذاری بر سیاست‌های انتقال انرژی برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: ژئواکونومی، استراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی، ایران، منطقه جنوب غرب آسیا(خاورمیانه)

۱- (نویسنده مسئول) Dr.m.akhbari@gmail.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

سقوط جهان دو قطبی، گسستی در نظام سیاسی جهان پدید آورده است که برخی از صاحب‌نظران را بر آن داشت تا ایده‌هایی را درباره چگونه پرکردن این گسست و چگونگی شکل دادن به نظام ژئوپلیتیک جهان پیش کشند (Mojtahedzadeh, 2002, 248). یعنی پس از سال ۱۹۸۹ تاکنون که به ژئوپلیتیک پست‌مدرن معروف است اندیشه‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفته‌اند که چنین به نظر می‌رسد ایده ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری ادوارد لوتواک بیش از دیگر نظریه‌ها به واقعیت نزدیک است. حتی در نظریه‌های ژئوپلیتیکی نظیر نظم نوین جهانی، نظام تک‌قطبی و چندقطبی و...، اقتصاد و مناسبات اقتصادی به نوعی در بطن تمامی اندیشه‌های ژئوپلیتیک عصر پست‌مدرن نمود آشکاری دارد(Zayn al-Abedin quoted Ezzati, 2017,13). واژه ژئواکونومی در واقع تغییر نام و هدف ژئواستراتژی است. در حقیقت می‌توان قرن بیست و یکم را دوره تسلط مفاهیم جدیدی چون ژئواکونومی دانست. امروزه آنچه اهمیت دارد مسائل ژئواکونومی است نه ژئوپلیتیک و حرکت سرمایه به جای تجارت کالا و خدمات به‌صورت محرک اقتصاد جهانی درآمده است(Mehrabi, 2008: 548). ژئواکونومی مفهومی است که ورود موضوع اقتصاد را به صحنه جهانی به ویژه به لحاظ انگیزه سودا گرایی تأکید می‌کند. به این معنا که هرزمان رقابت میان قدرت‌ها در نظام جهانی بر موضوع اقتصاد و برداشتن مرزهای اقتصادی باشد صحبت از ژئواکونومی است (Veisei, 2009: 29). یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت‌یابی اقتصاد در عرصه‌ی جهانی است، در حال حاضر، قدرت اقتصادی تعیین‌کننده‌ی جایگاه و نقش کشورها در نظام بین‌المللی است. زیرا مفهوم سنتی قدرت بر پایه قابلیت‌های نظامی تا حدود زیادی تحت تأثیر مضمون جدید قدرت بر اساس توانایی‌های اقتصادی و فنّاورانه قرار گرفته است. از این رو، مناطقی که ازنظر انرژی غنی باشد، اهمیت می‌یابند و در نتیجه، در نظام جدید جهانی، مناطق ژئواکونومیک اهمیت بیشتری خواهند یافت(Molaei, 2003,162).

در این میان منطقه خاورمیانه به واسطه موقعیت حساس و منحصر به فرد در استراتژی انرژی و قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک در قرن بیست و یکم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت موقعیت ژئوپلیتیکی در کنار برتری‌های ژئواکونومی به ایران ارزش و اعتباری بخشیده که سایر کشورهای منطقه فاقد آن هستند (Mayelafshar, 2012) خاورمیانه به دلیل داشتن موقعیت اقتصادی در فضایی که اقتصاد همگام سیاست در جهان مطرح شده از اهمیت ژئواکونومی خاصی برخوردار شده است و بر خلاف طرح‌هایی مبنی بر کاهش اهمیت نفت و گاز و به تبع خاورمیانه، همچنان در اقتصاد جهانی موقعیت بالایی دارد(Mortazavi & Karami, 2014). جمهوری اسلامی ایران با داشتن موقعیت برجسته و منحصر به فرد ازنظر ژئوپلیتیکی و همین‌طور قدرت نشر و تأثیرگذاری و الهام بخشی خود در کنار نیروی انسانی قوی، نه تنها در خاورمیانه و در بین ملل مسلمان، بلکه در دنیا تأثیرگذار است. به‌طوری که رابین رایت خبرنگار آمریکایی و نویسنده کتاب "شیعیان، مبارزان راه خدا" معتقد است: "ایران سمبل اسلام مبارز است و توانسته است اسلام را به اولین پیروزی خود در قرن اخیر برساند، غالب مبارزان مؤمن و متعصب از ایران تقلید و پیروی می‌کنند(Pishgahifard, 2010: 82 and 83).

وجود منابع عظیم نفت و گاز و دیگر منابع کانی و معدنی و نیز بازار مصرف کالا، اهمیت منطقه‌ی جنوب غرب آسیا را برجسته نموده است. به‌طوری که حدود ٦٥ درصد ذخایر نفتی در این منطقه قرار دارد. چنین موقعیتی، جمهوری

www.SID.ir

Archive of SID

اسلامی ایران را وا می‌دارد تا از این پتانسیل و اهرم قدرت، برای احقاق حقوق مسلمانان و برخورداری آنـان از شـان و جایگاه مناسب در عرصه نظام بین‌الملل و حل و فصل مشکلات جهان اسلام و همین طور حراست و پاسـداری از ذخایر و ثروت‌های خدادادی استفاده کند. موقعیت جغرافیایی ج.ا. ایران توان بالقوه و بی‌نظیری در بعد ژئواکونومیک دارد. از طرف دیگر دارای انرژی (نفت و گاز) زیادی است، به گونه‌ای که رتبه دوم در ذخایر ثبت شده نفـت و گـاز در جهان را داراست. و هر روز نیز بر تعداد ذخایر کشف شده افزوده می‌گردد. همچنین ازنظر محصـولات غیرنفتـی، معادن، تولیدات فرش، پوست و... دارای سهم قابل‌توجهی در صادرات است. ج.ا.ایران با ۱۶۵ میلیون هکتـار اراضـی کشاورزی دارای ظرفیت عظیمـی از تولیـدات گونـاگون کشـاورزی و حـدود ۲۵ درصـد جمعیـت ایـران در بخـش کشاورزی مشغول به کار هستند. با توجه به تنوع آب و هوای ج.ا.ایران، امکان تولید محصولات گوناگون کشـاورزی در نقاط مختلف فراهم است(Koolaee, 2000, 121). خاورمیانه منطقه‌ای است که طی سال‌های گذشته بیش از سایر مناطق جهان با منازعه روبرو بوده است. از ۱۴۸ مورد منازعه و جنگ که طی ۴۰ سـال گذشـته در جهـان روی داده، ۶۳ مورد در آفریقا و آسیا، ۴۸ مورد آن در خاورمیانه، ۲۶ مورد در آمریکـای لاتـین و تنهـا ۱۱ مـورد در کشـورهای درجه دوم و سوم اروپایی مانند قبـرس، یونـان و اسـپانیا بـوده اسـت(Jafari Woldani, 2009: 44). بـا فروپاشـی و اضمحلال دو قدرت ایران و امپراتوری عثمانی، استعمار انگلیس و فرانسه مرزهـای منطقـه‌ی خلـیج‌فـارس را بـدون رعایت اصول مردم شناختی، قبیله‌ای، مذهبی و سایر مؤلفه‌های تفکیک مرز، ترسیم نمودند. به همین دلیل این منطقـه آکنده از اختلافات مرزی حل نشده است. اختلاف بر سر کنتـرل و مالکیـت سـرزمین از مهـم‌تـرین عوامـل معمـول مناقشات جنگ‌هاست(Camp and Harkavei, 2004,149).

حوادث و اتفاقات مهمی در منطقه‌ی جنوب غرب آسیا رخ داده اسـت کـه موجـب تـأثیر در مناسـبات ج.ا.ایـران بـا کشورهای منطقه شده است. فروپاشی اتحـاد جمـاهیر شـوروی در سـال ۱۹۹۱ م و سـپس پیـدایش طالبـان، اشـغال افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، حمله نظـامی بـه عـراق در سـال ۲۰۰۳ م و پایان دادن به حکومت صدام حسین در عراق و پس از آن گسترش القاعده در منطقه جنوب غرب آسیا اتفاق افتاد. از سال ۲۰۱۰ م بهار عربی (بیداری اسلامی) شروع شد و معادلات جدید سیاسی در سطح منطقـه جنـوب غـرب آسـیا رقم خورد. بروز فرقه‌های مذهبی در منطقه عربی، بروز داعش در عراق و سوریه، جنـگ داخلـی در سـوریه، جنـگ عربستان با یمن، مبارزه شیعیان در بحرین، دخالت عربستان در بحرین، تیرگی روابط عربستان با قطر، توافق هسته‌ای بین ج.ا.ایران و کشورهای ۵+۱، برنامه جامع اقدام مشترک(برجام) که تاکنون درهاله‌ای از ابهام قرار دارد.

ج.ا.ایران برای دستیابی به قدرت برتر منطقه انگیزه بالایی دارد. امـا تـنش‌هـای موجـود بـین ج.ا.ایـران و تعـدادی از کشورهای منطقه و دخالت قدرت‌های بزرگ در منطقه، چشم‌اندازهای ژئواکونـومی ایـران در منطقـه را دچـار ابهـام می‌کند. با توجه به تحولات و معادلات جدید در سطح منطقه، این سؤال مطرح می‌گردد که:

آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ایجاد روابط حسنه با کشورهای منطقه و تبدیل این کشورها به عنـوان بـازاری برای عرضه خدمات و کالاهای تولیدی خود، به رشد اقتصادی برسد و جایگاه واقعی خود را از بعد ژئواکونـومی بـه دست آورد؟

www.SID.ir

Archive of SID

چارچوب نظری

در قرن بیستم، استراتژی‌های نظامی حائز اهمیت ویژه بود و تسلط بر قلمروهای ژئواستراتژیک در رأس اهداف استراتژیک قرار داشت. ولی در قرن بیست و یکم این معیارها متفاوت است به طوری که قلمروهای ژئواستراتژیک با قلمروهای جدید ژئواکونومیک تلاقی پیدا کرده است. یکی از نقاط تداخل، دیوار برلین بوده است. بنابراین در قرن بیست و یکم جهان به دو قلمرو ژئواستراتژیک تقسیم نمی‌شود، بلکه پنج یا شش قلمرو ژئواستراتژیک خواهیم داشت و این بدان معناست که تحولات زیادی در مناطق ژئوپلیتیکی جهان رخ داده است. در حال حاضر محور مناطق ژئواستراتژیک «عامل انسانی و منابع اقتصادی» است و میزان تولید ناخالص ملی کشورهاست که در تعیین مناطق استراتژیک نقش اصلی را بازی خواهد کرد. اگرچه در دوران جنگ سرد محور مناطق ژئواستراتژیک جهان، استراتژی‌های نظامی بود، اما اکنون قلمروهای ژئواستراتژیک سابق دگرگون شده و پنج منطقه ژئواستراتژیک با ماهیت پنج منطقه ژئواکونومیک به وجود آمده است. بنابراین کشورها در این مناطق می‌کوشند قلمروها و مرزهای خود را مشخص نمایند. این در حالی است که در دوران جنگ سرد دو منطقه ژئواستراتژیک و ده منطقه ژئوپلیتیکی وجود داشت. یکی از بزرگ‌ترین تحولات در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک پس از جنگ سرد این است که معیارها و شاخص‌ها نظامی بود و بنابراین نقاط استراتژیک، مناطق استراتژیک و جبهه‌های استراتژیک متأثر از اهداف نظامی بود و استراتژی‌های نظامی تبدیل به استراتژی‌های بری و بحری می‌شد و کشورهای وابسته به دو بلوک به همین ترتیب عمل می‌کردند. روی همین اصل در تمام دوران جنگ سرد، قدرت نظامی مهم‌ترین عامل به شمار می‌رفت و درنهایت این قدرت بود که منجر به تقابل می‌شد. اما به مرور شاخص‌های نظامی برای تعیین قلمروهای ژئواستراتژیک و به تبع آن قلمروهای ژئوپلیتیکی دچار تغییر و تحول شد. در نتیجه، اکنون نقاط استراتژیک، مناطق استراتژیک و قلمروهای ژئواستراتژیک بیشتر بر اساس معیارهای اقتصادی تعیین می‌شود، اما قابلیت مناطق از جهت کاربرد نظامی هم مورد نظر است. یعنی عامل اقتصادی به تنهایی در کار نیست، بلکه پشتوانه قدرت نظامی و ملاحظات نظامی هم در کنار ملاحظات اقتصادی اهمیت دارد. پس برای تحقق یافتن ایده‌های اقتصادی، چنانچه نیاز به استفاده از قدرت نظامی باشد، باید دید یک منطقه جغرافیایی خاص ظرفیت مانور نظامی را دارد یا نه. لذا ادغام دو عامل اقتصادی و نظامی با یکدیگر محدوده جغرافیایی قلمروهای ژئواستراتژی جدید را تعیین می‌کنند(Zayn al-Abidine, 2016: 22 and 23).

توسعه اقتصاد در ژئوپلیتیک

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد. به گونه‌ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت. ادوارد لوت واک در سال ۱۹۹۰ میلادی پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد در واقع ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر مارسد سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است. (شکل شماره ۱) اما باید اذعان نمود که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یا در برابر ژئوپلیتیک نیست بلکه جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است.

www.SID.ir

Archive of SID

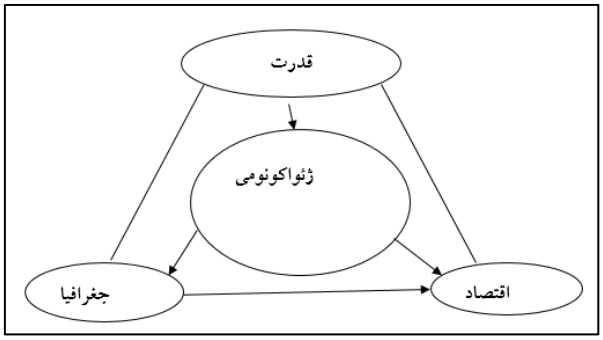

شکل ۱: مدل ژئواکونومی

Source: (Ezzati, 2006:39)

با مطرح شدن این مفهوم در ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی برخلاف دوران جنگ سرد، از بعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردیدند. به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم مناطقی که دارای انرژی هستند یا محل عبور آن مورد توجه قرار می‌گیرند. در حال حاضر «انرژی متغیری تأثیرگذار در تدوین استراتژی‌ها به حساب می‌آید» (Ezzati, 2005, 29). مفهوم قدرت که در گذشته به طور سنتی با قدرت نظامی اندازه‌گیری می‌شد، اکنون به میزان قابل‌توجهی متحول شده است. اشکال جدیدی از نفوذ اقتصادی، فنّاورانه و فرهنگی به منصه ظهور رسیده‌اند(Rashno, 2015: 76). اکنون تفکر جدید ژئواکونومی با ورود به هزاره سوم چنان بر تفکرات و استراتژی‌های امنیتی تأثیرگذار شده است که عملاً" حدودی بر آن متصور نیست. تحول در گروه‌بندی‌های سیاسی آسیای جنوبی، تحول در شکل‌گیری خاور نزدیک بزرگ و یا خاورمیانه جدید، تحول در رفتارهای سیاسی – اجتماعی کشورهای خاورمیانه سنتی و دیگر تحولاتی که قابل پیش‌بینی است، همه آن‌ها توجیه کننده اهداف ژئواکونومیکی است که در تلاش برای حاکمیت بر جهان قرن بیست و یکم هستند(Hashemi & Rashno, 2016: 20).

در این رابطه «برژینسکی» توضیحات کاملی را در مقاله خود تحت عنوان «ژئواستراتژی از راه ژئواکونومی» داده است که در تعیین مناطق ژئواکونومی که انطباق کاملی هم با قلمروهای ژئواستراتژیک قرن ۲۱ دارد. باز خاورمیانه گسترده همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن منطقه واقع است(Ezzati, 2006: 65). در واقع می‌توان گفت که نظام جهانی در تجربه‌ای جدید به دوران جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد یا اقتصادی شدن نظام جهانی وارد شده است که در این میان سوخت‌های فسیلی به ویژه نفت و گاز دارای اهمیت بسزایی هستند. آنچه مهم است آن است که جریان سرمایه و تأثیرات آن در میان تغییرهای گسترده تجدید ساخت ژئواکونومی بسیار ناموزون است که با پایان جنگ سرد جای خود را به اشکال جدیدی از وابستگی شمال-جنوب داده است(Johnston et al., 2004: 23).

تئوری ژئواکونومی برژینسکی

برژینسکی در کتاب خارج از کنترل خود جهان را به شش منظومه قدرت تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد که این قدرت‌ها گاهی با یکدیگر سازش و همکاری دارند و گاه در چارچوب روند سیاسی مستقل عمل می‌کنند با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. این منظومه‌های قدرت عبارت‌اند از: ۱- منظومه آمریکای شمالی، ۲-منظومه اروپا، ۳- منظومه

www.SID.ir

Archive of SID

آسیای شرقی، ٤- منظومه آسیای جنوبی، ٥- منظومه ناموزون مسلمانان، ٦- منظومه احتمالی اوراسیا که این منظومه یا «حفره آسمانی» ژئوپلیتیکی، زیر سلطه روسیه خواهد بود و سراسر قلمرو اتحاد شوروی سابق را در برمی‌گیرد ولی احتمالاً با منظومه‌های اروپا، آسیا و اسلام در تنش خواهد بود(Brzezinski, 1993: 224). وی اعتقاد دارد که سه منظومه اول از انسجام سیاسی و اقتصادی برخوردار هستند و سه منظومه دیگر در سطوح مختلف دستخوش تغییر و تحول و به‌ویژه تحت نفوذ نیروهای خارجی خواهند بود. (Brzezinski, 1993: 227). هریک از این منظومه‌ها دارای خصوصیات خاص خود هستند. مثلاً آمریکای شمالی، اروپا و آسیای شرقی غالباً مصرف‌کنندگان اصلی انرژی و نیز تولیدکنندگان و صادر کنندگان اصلی منسوجات می‌باشند. منطقه ناموزون مسلمانان شامل شمال آفریقا و **خاورمیانه** می‌باشند که تنها منظومه‌های تولیدکننده انرژی هستند. بنابراین هدف اصلی از تعیین و توجه به این مناطق تنها گویای یک نکته است و آن تدوین استراتژی انرژی است. یعنی تسلط بر مراکز تولید، توزیع و مصرف انرژی که قدرتی را حاصل می‌آورد که هماهنگ با تحولات قرن حاضر است.

تئوری ژئواکونومی شرایبر و اس گری

شرایبر با تأکید بر ژئواکونومی و اهمیت انرژی در کتاب تکاپوی جهانی نوشته است: آمریکایی‌ها سرانجام به اهمیت عربستان سعودی پی می‌برند و کارشناسان پنتاگون به این نتیجه می‌رسند که هر که این قلعه را در دست داشته باشد، برتری بزرگی خواهد داشت و تا به آنجا می‌رسند که می‌گویند ظرف مدت ده سال آینده هر که بر عربستان و خاورمیانه مسلط باشد، بر همه‌ی قاره‌ی اروپا مسلط خواهد بود. او استدلال می‌کند، طبیعی است که هر کشوری بر قاره اروپا مسلط شود، بر جهان حکومت خواهد کرد. چنان که در جنگ جهانی دوم، منطقه‌ی خلیج‌فارس محور اصلی موفقیت متفقین در برابر آلمان بود و امروز نیز، نه تنها منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز، این منطقه را به‌صورت قلب جهان در آورده است، بلکه، شریان تجارت جهانی در این منطقه قرار دارد(Elahi, 2007: 19). به همین دلیل است که کولین اس گری نویسنده کتاب ژئوپلیتیک عصر هسته‌ای در سال ۱۹۷۹ می‌نویسد " ژئوپلیتیک عبارت است از روابط تغییرناپذیر بین جغرافیا و استراتژیک" او در جای دیگر امنیت را با ژئوپلیتیک برابر می‌بیند و با اشاره به اهمیت تنگه هرمز در رابطه با تأمین نفت می‌نویسد: " جغرافیا انرژی است، انرژی اقتصاد، اقتصاد امنیت است و امنیت ژئوپلیتیک(Zeyn al-Abidine, 2017).

ژئواکونومی و مناطق ژئواکونومیک در قرن ۲۱

اصطلاح ژئواکونومی با وجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد. برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند. برخی دیگر تعریف موسع دارند و آن را درهم تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌دانند. برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تأکیددارند. گروهی نیز استفاده از این واژه را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند(Mukhtari Hashi, 2018: 58). ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است (blackwill and harris, 2016:20). از تعاریف گوناگون اصطلاح ژئواکونومی چنین بر می‌آید که: ژئواکونومی یعنی

www.SID.ir

Archive of SID

زمینه‌های اقتصاد پایه، یعنی سرزمین‌هایی که در اقتصاد جهانی نقش دارند(Nami et al., 2009: 50). بنابراین تعاریف، مناطقی دارای اهمیت هستند که دارای نقش اقتصادی می‌باشند. بر این اساس در قرن ۲۱ جهان را به شش منطقه تقسیم می‌کنند و هر منطقه‌ای که خارج از این تقسیم‌بندی قرار بگیرد از اهمیت چندانی برخوردار نیست. این مناطق عبارت‌اند از: ۱- آمریکای شمالی، ۲- اروپای غربی، ۳- خاورمیانه (خلیج‌فارس)، ٤- آسیای جنوب شرقی، ٥- محور مسکو لنین‌گراد، ٦- هند.

هر یک از این مناطق یک قدرت ژئواکونومی هستند. از این شش منطقه، چهار منطقه مصنوعات خود را به سایر کشورها صادر می‌کنند و از تولید انبوه برخوردار هستند. فقط یک منطقه است که مواد خام صادر می‌کند و این منطقه خلیج‌فارس است(Akhbari, 2006). منطقه هند را هم به این خاطر انتخاب کرده‌اند که از آن به عنوان مهد دموکراسی یاد می‌کنند و چون دموکراسی به رشد اقتصادی کمک می‌کند، لذا آنجا را جزو مناطق ژئواکونومیک آورده‌اند. به این ترتیب بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک انطباق صورت گرفته است(Nami et al., 2009).

معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا

بروز و ظهور فرقه‌های مذهبی داعش در سوریه و عراق، حمایت‌های برخی از کشورهای منطقه از گروهای سلفی و تکفیری، تنش در روابط بین عربستان و ایران، قطر و بروز جنگ بین یمن و ائتلاف سعودی، همه این تحولات باعث ایجاد معادلات سیاسی و اقتصادی جدیدی در سطح منطقه شده است که بر روابط اقتصادی و سیاسی بین کشور ایران و کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است.

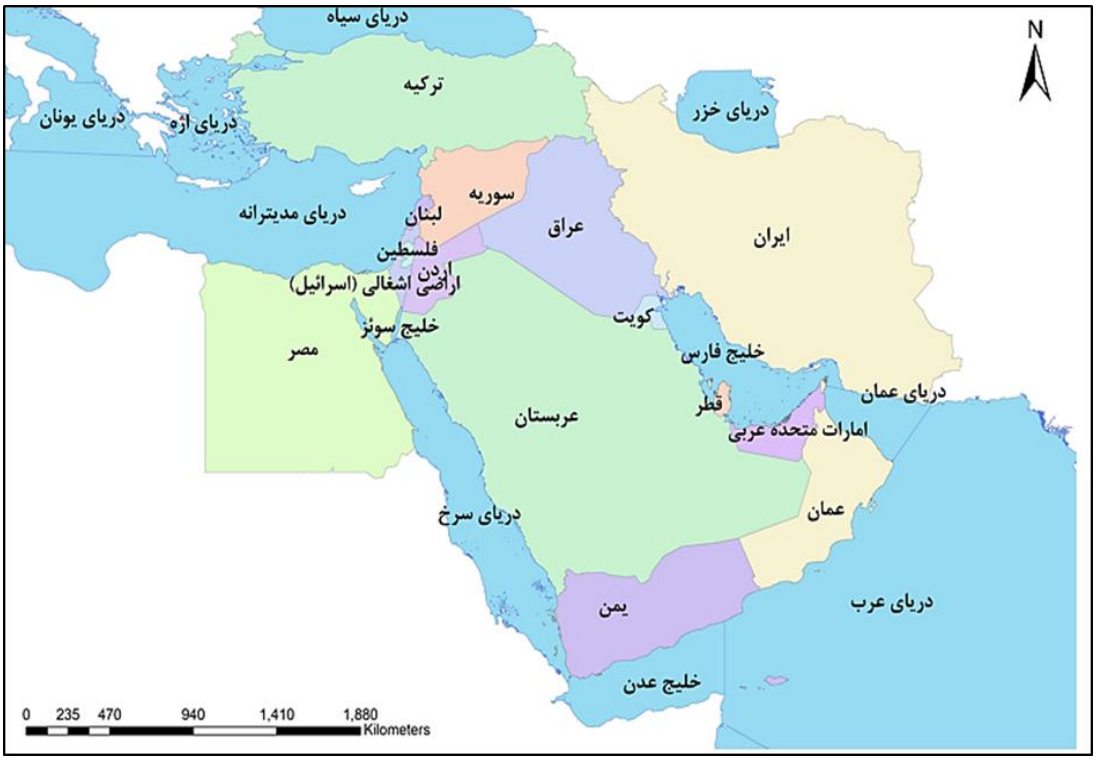

نقشه ۱: حدود منطقه خاورمیانه

Source: (https://www.tabnak.ir)

www.SID.ir

Archive of SID

یافته‌های تحقیق

مناطق جغرافیایی در تحولات سیاسی نقش بسیار دارند. یکی از این مناطق جغرافیایی، منطقه خاورمیانه است که نقش بی‌بدیلی را در رویدادهای جهان ایفا کرده و می‌کند. این منطقه به دلایلی ازجمله انرژی، گذرگاهی آبی و استراتژیک، وجود رژیم صهیونیستی و امنیت آن برای قدرت‌های بزرگ، بازار مصرف منطقه و... از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار است(Akhbar, 2004: 69). وجود منابع انرژی و اهمیت انرژی در معادلات قدرت در سطح جهان، اهمیت منطقه جنوب غرب آسیا را افزایش داده است. خاورمیانه بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست. هیچ منطقه‌ای در جهان به‌اندازه خاورمیانه در تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و پیوند آن با رفتارهای سیاسی اهمیت ندارد. در قرن حاضر این منطقه با غلبه تفکرات ژئواکونومیکی بر سایر مفاهیم همچنان در رأس مناطق استراتژیک دنیاست. چرا که این منطقه در طبقه‌بندی مناطق جدید بر رأس مفاهیم ژئواکونومیکی، تنها و اصلی‌ترین منطقه تولید کننده انرژی است(Nami et al., 2009: 51).

خاورمیانه به مثابه چهار ضلعی بزرگ است که یک نقطه مرکزی جغرافیایی و چهار راهی که اروپا، آسیا، آفریقا و روسیه یکدیگر را در آن نقطه قطع می‌کنند. از غرب، منطقه بیابانی صحرا و دریای مدیترانه آن را محدود می‌کند، از شمال دریای سیاه و کوه‌های قفقاز و رشته کوه‌های البر و هندوکش، از طرف شرق به جلگه‌های هندوستان و از جنوب نیز به اقیانوس هند محدود می‌گردد. در درون این منطقه، مواضع جغرافیایی درون منطقه‌ای بسیار و گروه‌های نژادی و مذهبی و دولت‌های دارای حاکمیت و نیز منابع طبیعی مهم و فراوان به ویژه نفت و گاز وجود دارد(Camp and Harcavie, 2004: 40). خاورمیانه از دیرباز هم به جهت ذخایر اقتصادی و هم به دلیل اینکه تقاطع استراتژیک اروپا آسیا و آفریقا به شمار می‌رفته از اهمیت زیادی برخوردار بوده است(Camp and Harcavie, 2004: 40). با اهمیت یافتن اقتصاد، در نظام جدید جهانی مناطقی در جهان اهمیت دارند که از نظر انرژی غنی باشد. از این رو خلیج فارس در نظریه‌های ژئواکونومی نیز موقعیت بی‌نظیری به دست آورده است، اکنون هیچ منطقه‌ای در جهان نمی‌تواند از این نظر با آن رقابت کند(Zayn al-Abidine, 2006: 96).

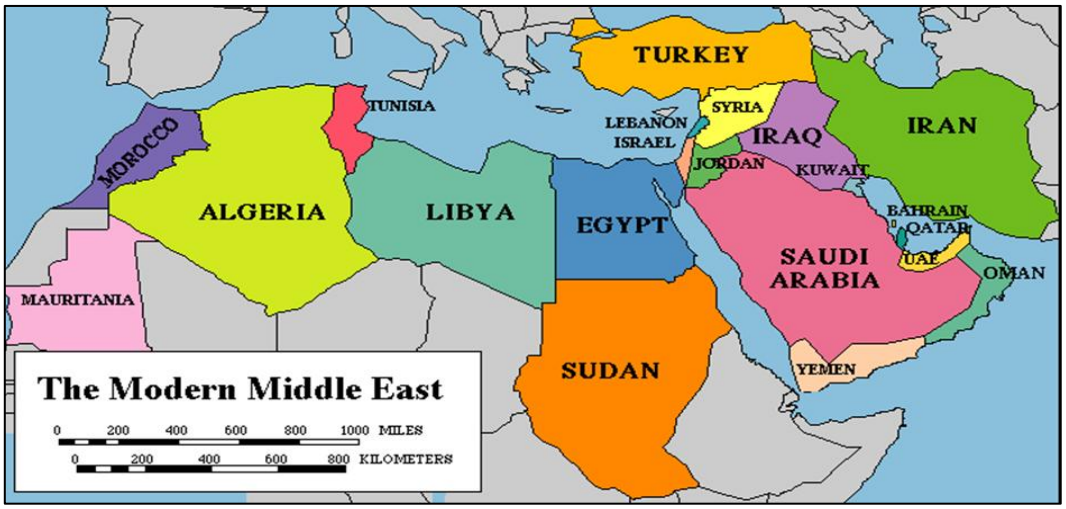

نقشه ۲: خاورمیانه

Source: (https://www.jewishvirtuallibrary.org)

www.SID.ir

Archive of SID

از طرف دیگر شناسایی منابع انرژی حوزه کاسپین و همچنین منابع معدنی و تولیدات کشاورزی کشورهای خاورمیانه این منطقه را با ویژگی‌های اقتصادی ویژه‌ای همراه کرده است. خاورمیانه را به دلیل نیاز مداوم جهان برای دسترسی به منابع هم چنان یک منطقه حیاتی در جهان حفظ خواهد کرد و منطقاً تأمین امنیت آن منابع در مقابله با تهدید خارجی به دست نیروهای نظامی ضروری است. اگر در آینده جنگ‌هایی در منطقه وجود داشته باشند که مستلزم مداخله قدرت‌های خارجی باشند به احتمال قوی برخاسته از نگرانی‌های گسترده ژئواستراتژیک در مورد کنترل ذخایر انرژی آن خواهند بود. در واقع آنچه ما به اصطلاح خاورمیانه بزرگ و منابع انرژی‌اش می‌نامیم اکنون می‌تواند تکیه‌گاه استراتژیکی در عرصه سیاست نوین جهانی باشد. حدود ۷۰ درصد ذخایر ثبت شده جهانی نفت و بیش از ٤٠ درصد از منابع گاز طبیعی آن در داخل منطقه‌ای تخم‌مرغ شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی محصور گردیده است.

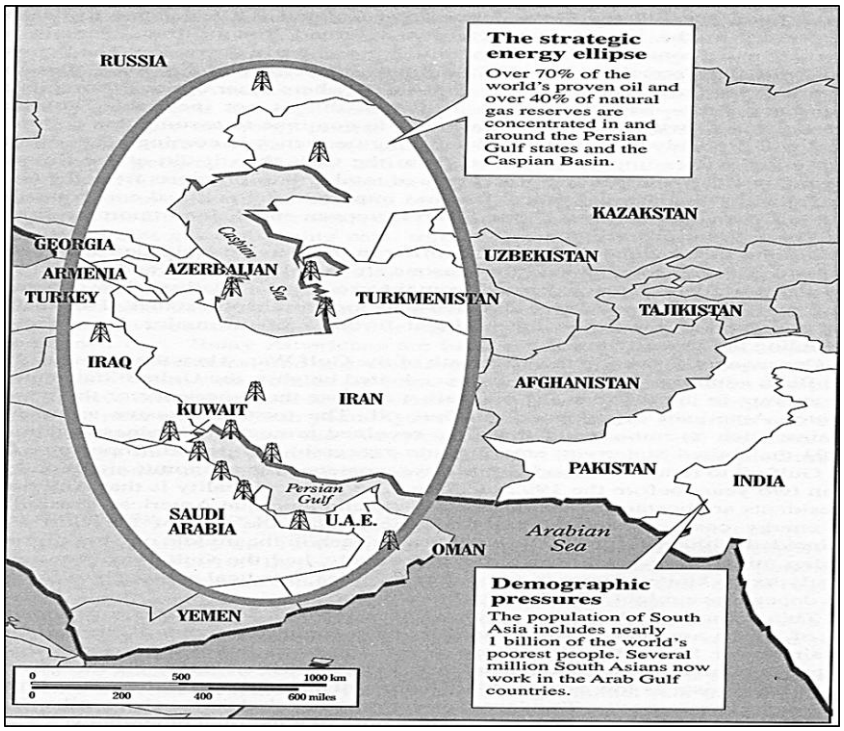

نقشه ۳: بیضی استراتژیک انرژی

Source: (https://energeopolitics.files.wordpress.com)

آنچه که ارتباط خاص با این مسئله دارد نیازمندی‌های انرژی رو به رشد آسیا ازجمله کشورهای چین، هند و جنوب شرق آسیا است و این واقعیت که همه آن‌ها مجبورند با اروپا و آمریکای شمالی برای دسترسی به منابع انرژی خاورمیانه بزرگ رقابت نمایند(Camp & Harcavei, 2004: 191). علاوه بر اهمیت نظامی و استراتژیکی منطقه خاورمیانه، اهمیت اقتصادی این منطقه نیز بسیار حیاتی بوده و توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را در طول تاریخ به‌ویژه پس از دوران کشف نفت و اهمیت حیاتی آن در صنایع، به خود جلب نموده است. اهمیت انرژی در دنیای صنعت و به فروش رساندن کالاهای صنعتی در بازارهای مصرف بر کسی پوشیده نیست و این منطقه هر دوی آن را داراست. هم ذخیره عمده انرژی جهان را در خود نهفته دارد و هم بازارهای پر مصرف آن منافع خیره کننده‌ای را به ارمغان می‌آورد(Soleimani, 1998: 136).

www.SID.ir

Archive of SID

منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج‌فارس از منظر ژئواکونومی

یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یابی اقتصاد در عرصه جهانی است. به‌طوری‌که قدرت اقتصادی تعیین‌کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام بین‌المللی است. بنابراین در نظام جدید جهانی، مناطق ژئواکونومیک اهمیت بیشتری یافته‌اند. بر این اساس، در توازن قدرت‌های آینده، برتری از آن قدرتی خواهد بود که بر مناطق ژئواکونومیکی تسلط داشته باشد. از این نظر هر کشوری که بر خلیج‌فارس تسلط داشته باشد، برجهان مسلط خواهد بود. شرایبر در کتاب «تکاپوی جهانی» نوشته است: خلیج فارس که در نظریه‌های مکیندر و اسپایکمن، ریملند، محسوب می‌شد، در نظریه‌های جدید به‌هارتلند تبدیل و بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این مسئله مورد توجه آمریکا نیز بوده است. لذا در نظم نوین جهانی خلیج‌فارس جایگاه شایسته‌ای دارد. در آغاز هزاره جدید، ژئوپلیتیک خلیج‌فارس دچار تحولات اساسی شده است. در نظریه‌های ژئوپلیتیکی گذشته، خلیج‌فارس جزو سرزمین‌های حاشیه‌ای به شمار می‌رفت. اما در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیکی، خلیج‌فارس به سرزمین‌هارتلند یا محور یا «مرکز مرکزها» تبدیل شده است(Zayn al-Abidine, 2007: 16).

در نظریه‌های ژئواکونومیکی که در اوایل قرن بیست و یک مطرح شده، خلیج‌فارس موقعیت بی‌نظیری پیدا کرده است؛ به طوری که هیچ منطقه‌ای در جهان نمی‌تواند از این نظر با آن رقابت کند. این عوامل موجب شده تا حوزه خلیج‌فارس در نظام جدید جهانی، بیش از گذشته مورد توجه ایالات متحده آمریکا قرار گیرد. چراکه، بر اساس نظریه مرکز مرکزهای یوردیس فون لوهازن، در مرکز جهان، خاورمیانه واقع شده است و در مرکز خاورمیانه خلیج‌فارس قرار گرفته که در شمال غربی آن نقطه‌ای به نام اور قرار دارد که از دو طرف با رودخانه‌های دجله و فرات به یک اندازه فاصله دارد. از این طریق تسلط بر این نقطه می‌توان بر خلیج‌فارس حاکم شد و تسلط بر خلیج‌فارس، کنترل خاورمیانه و حتی کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی را ممکن سازد(Naderi and Zakeri, 2004: 209). نفت و علاقه به آن چه از دید داخلی و چه ازنظرگاه روابط بین‌المللی تأثیر عمیقی بر اقتصاد سیاسی خاورمیانه داشته و دارد. نفت بیشتر یک کالای سیاسی شناخت می‌شود و به خاطر اهمیت محوری که به عنوان منبع اولیه انرژی داراست، دولت‌ها همواره دغدغه تداوم جریان آن را داشته و به دنبال کاهش وابستگی خود به واردات آن هستند. خاورمیانه نقش ویژه‌ای را در صنعت نفت جهانی بازی می‌کند(Fast, 2007: 148-147). پنج تولیدکننده خلیج‌فارس ٦٥ درصد ذخایر اثبات‌شده جهان را در اختیاردارند. نفت آن‌ها، ازلحاظ هزینه تولید، ارزان‌ترین است و درصورتی‌که صنعت نفت یک صنعت رقابتی می‌بود، احتمالاً تبدیل به منبع اختصاصی دنیای نفت می‌شدند. وجود نفت در خاورمیانه تأثیر قابل‌توجهی در تثبیت سیستم منطقه‌ای دولت در خاورمیانه داشته است. همچنین در سیاست داخلی کشورهای عرب به تثبیت رژیم‌هایی انجامیده است که احتمالاً نمی‌توانستند در صورت نبود رانت نفت، در قرن بیست وی کم‌دوام بیاورند. نفت عامل مهمی در شکل‌گیری دولت‌هایی بوده است که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به وجود آمدند(Fast, 2007: 148-147).

نفت، هم در بعد منطقه‌ای برای نمونه در روابط اعراب با یکدیگر و هم در بعد وسیع بین‌المللی به‌عنوان نمونه در رابطه با کشورهای صنعتی یا دیگر کشورهای درحال‌توسعه، عامل مؤثری در تعیین روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه است(Fast, 2007: 148-147). روسای جمهور ایالات‌متحده از نیکسون تا جرج واکا بوش، دارای دکترین

www.SID.ir

Archive of SID

درزمینهٔ اقتصاد نفت می‌باشند. در حقیقت اهمیت استراتژیک نفت و وابستگی شدید آمریکا و کشورهای صنعتی غربی، ضرورت و شرایط لازم برای تبیین دکترین را فراهم نموده است(Mousavi, 2005: 194). منافع نفتی دریای کاسپین را با تفاوت‌هایی، میان ۳۰ تا ٤۰ میلیارد بشکه و ۲۰۰ میلیارد بشکه حساب می‌کنند. با توجه به این حقیقت که گذشته از منابع یادشده نفتی، تنها دو کشور حوزه دریایی کاسپین یعنی روسیه و ایران حدود ۷۰ درصد منابع شناخته‌شده گاز طبیعی جهان را در اختیاردارند و این حقیقت که جهان مصرف‌کننده انرژی فسیلی به دلایل محیطی و ارزان‌تر بودن قیمت، به‌سرعت به‌سوی مصرف گاز پیش می‌رود اهمیت فوق‌العاده این منطقه در جهان انرژی قرن بیست وی کم خودنمایی می‌کند(Mojtahedzadeh, 2002: 283).

قرن بیست و یکم را می‌توان قرن نفت نام‌گذاری کرد. نفت به‌صورت سوخت اصلی و شاید مهم‌ترین و غیرقابل اجتناب‌ترین ماده خام در تمدن صنعتی امروز درآمده است. این ماده خام در حال حاضر ازنظر ارزش مهم‌ترین کالایی است که در سطح بین‌المللی مورد تجارت واقع می‌شود. به‌بیان‌دیگر، با ۲۵۰ میلیون دلار ارزش صادرات نفت، تجارت این ماده خام تقریباً ۱۰ درصد تجارت جهانی است. نفت ٤۰ درصد سوخت مصرفی در سطح جهان را تشکیل می‌دهد و اساس صنعت، شاهرگ حیاتی حمل‌ونقل و تاروپود جنگ است. شاید بتوان گفت که نفت به‌صورت عامل اصلی در تعیین موازنه نظامی- سیاسی- اقتصادی در سطح جهان درآمدهاست(Ezzati, 2007: 16-15). طبق برآورد سال ۲۰۱٦ میلادی، خاورمیانه حدود ۹/۳۱ درصد از مجموع تولید نفت جهانی و ٤۱ درصد از مجموع ذخایر گاز جهانی را دارد(British Petroleum, 2009. 22)

بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی[1] تا سال ۲۰۲۲، بازار جهانی گاز طبیعی از ٤ تریلیون مترمکعب عبور خواهد کرد. بازارهای نوظهور آسیایی که در رأس آن چین قرار دارد، نیمی از این رشد را به خود اختصاص می‌دهند. در این میان خاورمیانه نقشی تعیین‌کننده در تأمین گاز طبیعی دنیا خواهد داشت (Energypost24.com.1398/2/30). آژانس بین‌المللی انرژی با انتشار گزارش چشم‌انداز جهانی انرژی ۲۰۱۷ اعلام کرد: تولید روزانه جهانی نفت در سال ۲۰٤۰ میلادی ۱۰۱ میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه خواهد بود. خاورمیانه با تولید ٦/۳۷ میلیون بشکه نفت بیشترین میزان تولید را به خود اختصاص خواهد داد و قاره آمریکا نیز با ۲٤ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در ردیف دوم قرار خواهد گرفت. میزان تولید روزانه کشورهای عضو سازمان اوپک به ٤٦ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه خواهد رسید و سهم این کشورها در تولید جهانی نفت خام بالغبر ٤٦ درصد خواهد بود. حجم تولید جهانی گاز طبیعی تا سال ۲۰٤۰ به ۳/۵ تریلیون مترمکعب خواهد رسید. از این میزان یک تریلیون و ۳۳۸ میلیارد مترمکعب در آمریکای شمالی و یک تریلیون و ۹۵ مترمکعب نیز در منطقه اوراسیا تولید خواهد شد (www.trt.net.tr.nov.15.2017). همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد: تقاضای مصرف انرژی دنیا در سال ۲۰٤۰ با ۲٦,۷۰ درصد افزایش، به ۱۷ میلیارد و ۷۱۵ میلیون تن نفت خواهد رسید. کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه، ازجمله چین در این مدت با تقاضای ۸ میلیارد ۲۰۱ میلیون تن نفت، بیشترین افزایش مصرف انرژی را خواهند داشت. کشورهای آمریکای شمالی و اروپا نیز به ترتیب ۲ میلیارد و ٦۹۳ میلیون و یک میلیارد و ۷۵۲ میلیون

[1]. IEA

www.SID.ir

Archive of SID

تن نفت در بازه زمانی مذکور خواهند خرید. علاوه بر این، کشورهای آفریقایی و خاورمیانه هم به ترتیب یک میلیارد و ۲۹۹ میلیون و یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن نفت مصرف خواهند کرد (https://www.aa.com.tr.nov.13.2018). اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر حوزه خلیج‌فارس در قالب یک زیرسیستم قدرت منطقه‌ای همواره مورد توجه ویژه نظام بین‌الملل و قدرت‌ها بوده است. این منطقه پس از کشف نفت به‌عنوان بین‌المللی‌ترین منطقه جهان معرفی شده است. این روند پس از تحولات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، به مراتب گسترده‌تر شده است.

اهمیت استراتژیک و ژئواکونومیک ایران

کشور ایران موقعیت ممتازی در بین کشورهای خاورمیانه دارد. سرزمینی حائل بین دریای مدیترانه و شرق آسیا و نیز بین روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و منطقه بسیار استراتژیک خلیج‌فارس و آب‌های آزاد است. موقعیت جغرافیایی ایران توان بالقوه بی‌نظیری در بعد ژئواکونومیک دارد. از طرف دیگر دارای انرژی (نفت و گاز) زیاد است، به گونه‌ای که رتبه دوم ذخایر ثبت شده نفت و گاز در جهان را دارا است. و هر روز نیز بر تعداد ذخایر کشف شده افزوده می‌گردد. همچنین ازنظر محصولات غیرنفتی، معادن، تولیدات فرش، پوست و. دارای سهم قابل‌توجهی در صادرات است.

یکی از موقعیت‌هایی که می‌تواند در اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران نقش بسزایی داشته باشد، موقعیت گذرگاهی است و آن هم حالتی است که یک کشور در کنار تنگه‌ای مهم قرار داشته باشد. این تنگه‌ها هم از حیث نظامی و ازنظر اقتصادی دارای اهمیت فروان هستند. زیرا می‌تواند در موقعیت‌هایی که بحران به وجود می‌آید نقش اساسی ایفا نمایند، در زمان صلح نیز نقش اقتصادی مهمی را دارا می‌باشند. کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است:

اولاً: این کشور متصل به موقعیت بری اور آسیاست.

ثانیاً: به سبب دارار بودن سواحل طولانی در خلیج‌فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است.

ثالثاً: به لحاظ در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز، دارای موقعیت گذرگاهی است.

این تنگه از شاهرگ‌های حیاتی اقتصاد جهان است. در این باره کالینز گری می‌گوید: تنگه هرمز ممکن است ما را در یک جنگ زودرس گرفتار کند. در صورت وقوع عوامل مختلف جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت در هم می‌آیند و موقعیت حساسی را به وجود می‌آورند(Taqaviasl, 1999: 34).

استفاده از خاک ایران برای ترانزیت کالا از جنوب به شمال و بالعکس به زمان‌های بسیار دور در تاریخ برمی‌گردد. حتی قبل از آنکه در سال ۱۴۹۷ میلادی و اسکو دوگا، راه دریایی هندوستان را کشف کند، تاجران روس از طریق دریای خزر و راه‌های ایران با شبه قاره هند داد و ستد تجاری داشتند. علاوه بر راه مشهور ابریشم که از داخل ایران می‌گذشت و از طریق آسیای صغیر و سوریه به اروپا وصل می‌شد، راه دیگری هم از مسیر ایران و منطقه قفقاز، تجارت روسیه را با هند برقرار می‌ساخت.

ازجمله مهم‌ترین ویژگی این سرزمین، استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که بدان یک نقش برجسته گذرگاهی بخشیده است. گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه

www.SID.ir

Archive of SID

فرهنگی(Heydari, 2005, 2 - 51). امروز نیز با توسعه فنون هوانوردی و گسترش مبادلات هوایی، اهمیت آسمان ایران، به‌عنوان کوتاه‌ترین کریدور هوایی میان‌قاره‌ای، علاوه بر اینکه کاهش نیافته بلکه افزون‌تر نیز گردیده است.

به دلیل دسترسی به تمام مناطق اطراف و راه‌های عبور، فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اختیار ایران قرار می‌دهند به دلیل همین مرکزیت جغرافیایی منطقه، ایران می‌تواند به‌عنوان مرکز ثقل و جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی به‌حساب آید (Amini, Johnny Moradi Jo, 2009, 155). بنابراین، موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پراهمیتی که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی – اقتصادی حوزه‌های وسیعی، همچون آسیای مرکزی، شبه‌قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی دارد، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی گردیده است. از سوی دیگر، وجود ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در زیر بستر خلیج‌فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیاز روزافزونی که جهان به این منابع دارد، موجب گردیده هر روز تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از تنگه هرمز عبور نمایند و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است، به گونه‌ای که انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بر یکدیگر، کشور ایران را یکی ار نواحی پراهمیت جهان مطرح ساخته است (Amini, Johnny Moradi Jo, 2009, 155).

در اجلاس ۹ ژوئن ۲۰۰٤، سران هشت کشور صنعتی در سی آیلند آمریکا خاورمیانه بزرگ را به دنیای عرب و کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان، افغانستان و جمعاً به ۲۷ کشور تحدید حدود کردند، در حالی که در دید استراتژیست‌های آمریکایی همچنان حلقه‌های وسیع‌تر و مرتبطی از ۵۷ کشور مسلمان و اقلیت‌های گسترده مسلمان در آفریقا، آسیا و اروپا حاشیه این مجموعه فرهنگی – تمدنی را در برمی‌گیرند. در هسته مرکزی این منطقه بزرگ، ایران از موقعیت بی‌بدیل استراتژیک و ژئوپلیتیک منحصربه‌فردی برخوردار بوده که نه تنها قابل انکار نیست، بلکه بسیار چشمگیر و تأثیرگذار است. همین موقعیت استثنایی در طول تاریخ تحولات روابط بین‌الملل ریشه بسیاری از مشکلات دولت‌های ایران بوده است. در عصر مابعد جنگ سرد، برخی از استراتژیست‌ها ژئوپلیتیک ایران را قبله عالم خوانده‌اند و در عصر ما بعد ۱۱ سپتامبر برخی دیگر اهمیت استراتژیک ایران را بیش از هر کشور دیگری در خاورمیانه ارزیابی کرده‌اند(Movahedian Attar, 2007: 13). کشور ایران با قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا، دارای یک موقعیت ممتاز ژئواستراتژیک برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه‌ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است(Sheikh Attar, 2006: 11). با توجه به مطالب گفته شده، روشن است که نقش موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان پل ارتباط میان قاره‌ای از یک‌سو و مجاورت آن با تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی از سوی دیگر، آن‌چنان اهمیت برجسته‌ای به این کشور بخشیده که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد (Heydari, 2005: 55).

هیچ کشوری در خاورمیانه ترکیب ایران در اندازه جغرافیایی، منطقه‌ای استراتژیکی، جمعیت زیاد و تحصیل‌کرده، تاریخ باستانی و منابع طبیعی گسترده را دارا نیست. بی‌توجه به اینکه چه کسی در تهران در رأس قدرت است، این صفات همیشه آرزوهای اولویت‌های منطقه‌ای را تغذیه خواهد کرد. وجود سازمان‌های منطقه‌ای در خاورمیانه بزرگ

www.SID.ir

Archive of SID

اهمیت ژئواکونومیکی آن را دو چندان نموده است. با توجه به تغییر تحولات سیاسی– اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، روابط و نقش ایران در شکل‌گیری این سازمان‌ها و ادامه فعالیت آنان و اتخاذ استراتژی مناسب در قبال فعالیت‌های این سازمان‌ها ازجمله، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)؛ شورای همکاری خلیج‌فارس و سازمان اجلاس اسلامی (سکا) می‌تواند تأثیر مثبتی بر ژئواکونومی ایران بگذارد.

توانمندی‌های ژئواکونومی ایران

ایران به لحاظ پتانسیل‌های اقتصادی و ژئواکونومیکی از وضعیت ممتازی در میان کشورهای حوزه خاورمیانه برخوردار است. مؤلفه‌هایی از قبیل: سرزمینی به وسعت ۱٦٤۸۱۹۵ کیلومترمربع، بازار بزرگی با حدود ۸۰ میلیون نفر جمعیت که عمدتاً" جمعیت جوان بوده و در صد بالایی تحصیلات دانشگاهی دارند و نیز منابع انرژی و معدنی سرشار، ازجمله اهم جذابیت‌های اقتصادی ایران به شمار می‌آیند. علاوه بر منابع و پتانسیل‌های اشاره‌شده، ایران ازنظر جغرافیایی نیز در یکی از منحصربه‌فردترین موقعیت‌های ژئواکونومیکی جهان واقع شده است. ازنظر منابع طبیعی، ایران سومین ذخایر بزرگ شناخته شده نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. همچنین نخستین رتبه جهانی در معادن روی، دومین رتبه جهانی در معادن مس، نهمین رتبه جهانی در معادن آهن، دهمین رتبه جهانی در معادن اورانیوم و یازدهمین رتبه جهانی در معادن سرب را دارد. به عبارت دیگر، ایران با داشتن ۱ درصد جمعیت جهان، بیش از ۷ درصد منابع معدنی جهان را در اختیار دارد. در زمینه تولید محصولات صنعتی پایه مانند سیمان و فولاد نیز، ایران در رتبه‌های مناسب جهانی قرار دارد(Hashemi et al., 2015: 128). ایران به عنوان مهم‌ترین کشور حوزه خلیج‌فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه‌ای شناخته می‌شود. بنابراین می‌توان استدلال نمود که ایران علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت‌های منحصربه‌فردی در زمینه ژئواکونومی نیز است. ازجمله این قابلیت‌ها می‌توان به قرارگیری ایران در کنار خلیج‌فارس که هارتلند انرژی فسیلی جهان است اشاره نمود. در شمال ایران نیز دریای خزر وجود دارد که اولویت دوم انرژی جهان به شمار می‌رود. بنابراین پیوند ژئوپلیتیک و زئواکونومی ایران در دریای خزر و آسیای مرکزی با موقعیت آن در خلیج‌فارس بسیار محرز است. از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومی ایران می‌توان به نیاز روزافزون کشورهای در حال توسعه شرق آسیا اشاره نمود. ایران تنها کشوری است که با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخگوی نیاز این کشورها باشد(Nami et al., 2009: 58).

برآورد شده است میزان تقاضای جهانی برای نفت از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۵ سالیانه ۹/۱ درصد افزایش خواهد یافت و از ۹٤/٦ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۱۱۹/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت که بیشترین رشد طی این دوره به ترتیب به کشورهای چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی و پاسفیک خواهد بود(world energy scenarios (2013), composing energy futures to 2050). محیط اقتصادی ایران با برخورداری از استعدادهای متعدد بالقوه و بالفعل عملاً" مستعد رونق و شکوفایی در حوزه‌های مناسبات و روابط اقتصادی و تجاری با بسیاری از کشورها در سطوح گوناگون بین‌المللی است. لذا محورها و شاخص‌های عمده‌ای که می‌توانند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تعاملات اقتصادی در ورود سرمایه به ایران و حضور مؤثر ایران در بازارهای جهانی را به ارمغان آورند، می‌توان به شرح زیر مطرح نمود: رشد مثبت اقتصادی، جمعیت

www.SID.ir

Archive of SID

جوان و تحصیل کرده، غنی به لحاظ ذخایر طبیعی و معدنی، زیرساخت‌های اقتصادی گسترده، متنوع در حوزه‌های اقتصادی و غنی به لحاظ ذخایر هیدروکربنی و نفتی، چهارمین تولیدکننده نفت در جهان، دارای دومین ذخیره گازی جهان، دارای پتانسیل‌های مناسب در صنعت توریسم و اکوتوریسم، یکی از دارندگان بزرگ‌ترین و بیشترین میزان صنایع در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، دارای رتبه‌های چهارم تا دهم دنیا در تولید روی و کبالت، حائز رتبه برتر در ذخایر آلومینیم، منگنز و مس در جهان، دارای برتری‌های نسبی به لحاظ تنوع در تولیدات محصولات کشاورزی در جهان(Rashno, 2013: 123).

پیگیری سیاست خارجی تعاملی با نظام جهانی در بیشتر موارد زمینه‌ساز رونق فضای کسب‌وکار است. و در مقابل پیگیری سیاست خارجی تقابلی نیز زمینه‌ساز بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کاهش رونق کسب‌وکار را به دنبال دارد. توفیق کشورها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بستگی زیادی به سیاست‌های کلی و به‌ویژه نگرش اجرایی حاکم بر سیاست خارجی آنان دارد. هیچ دولتی بدون اقتصاد قوی نمی‌تواند سیاست‌های خود را در هر دو حوزه‌ی داخلی و خارجی به‌صورت قدرتمندانه به‌پیش ببرد و هیچ اقتصادی هم قدرتمند نخواهد شد مگر آنکه پشتوانه‌ای از سیاست‌های دقیق و مدبرانه به کمک آن آمده باشد. اوضاع کنونی در عرصه‌ی سیاست، حاکی از به‌کارگیری رهیافت‌های جدید در سیاست خارجی کشورها و نقش آن در تقویت و توسعه‌ی ملی است، به‌گونه‌ای که امروزه از سیاست خارجی توسعه‌گرا به مثابهی ابزاری در خدمت توسعه‌ی کشورها یاد می‌شود. رویکرد مزبور بر پایه‌ی این واقعیت شکل‌گرفته است که در دو دهه‌ی اخیر با تحول گفتمانی که در مباحث ژئواستراتژیک صورت گرفته است، نگرش‌های ژئواکونومیکی را از اهمیت فراوانی برخوردار کرده است. بر این اساس اهمیت اقتصاد و نقشی که انرژی به ویژه نفت و گاز موتور صنعت مدرن در دنیا ایفاء می‌کند، جایگاه کشورهای عمده‌ی نفت و گاز را بیش از پیش برجسته کرده است(Hashemi et al., 2016: 135).

جمهوری اسلامی ایران کشوری نفت‌خیز که بخش عظیمی از بودجه‌ی آن وابسته به استخراج و فروش نفت است، نیاز فراوانی به جذب سرمایه‌گذاری و فنّاوری در بخش نفت و گاز دارد تا با افزایش تولید نفت هم افزایش مصرف داخلی را جبران کند و هم ترمیم استهلاک تجهیزات موجود را انجام دهد. با در نظر گرفتن تأثیرات متقابل سیاست و فضا و نیز توجه به ماهیت انقلابی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران، ضروری است با به‌کارگیری سیاست‌ها و استراتژی‌های واقع‌بینانه، تلاش شود تا ضمن حفظ استقلال کشور زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سطح کشور فراهم شود. مؤثرترین چالش کنونی در اوضاع داخلی و خارجی اقتصاد ایران، علاوه بر غلبه رویکردهای روزمرگی و ناپایدار اقتصادی که عموماً در قالب بخش‌های خدماتی و واسطه‌گری خودنمایی می‌کنند، مسئله چگونگی و شرایط حاکم برجذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور است که بر کلیه فرآیندها و روندهای اقتصادی تأثیراتی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده است. هرچه کشوری از توان جذب سرمایه‌های بین‌المللی بیشتر برخوردار باشد، حضور آن در اقتصاد جهانی و میزان تأثیرگذاری آن بر سیر فرآیندهای اقتصاد جهانی بااهمیت‌تر خواهد بود.

سیاست‌های اقتصادی ایران در ده سال اول ج.ا.ایران ازلحاظ جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به علل مختلف عمدتاً با واکنش‌های منفی محافل و سازمان‌های مالی جهانی روبه‌رو بود. سیاست بی‌اعتنایی به نظام بین‌المللی، دولتی کردن

www.SID.ir

Archive of SID

بانک‌ها و کارخانه‌های بزرگ، محدودیت در قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بی‌ثباتی‌های سیاسی و میزان ریسک‌های موجود در سرمایه‌گذاری‌های خارجی از عوامل اصلی بازدارنده در جلب سرمایه‌های خارجی به داخل کشور بودند(Hashemi et al., 2016: 135).

نقش محوری ایران با توجه به جایگاه ژئواکونومیک آن در توسعه مشارکت منطقه‌ای دچار چالش گردیده و تبدیل این جایگاه استثنایی ژئواکونومیکی به قدرت سیاسی که بتواند جایگاه ایران را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقاء دهد نیازمند مطالعه دقیق در مورد امکانات اقتصادی کشور اعم از بالقوه و بالفعل و سرمایه‌گذاری در منطقه است و دیگر اینکه ایران باید در سیاست خارجی خود این مهم را موردتوجه قرار دهد(Nami et al., 2009: 60).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

با پایان یافتن جنگ سرد، عوامل اقتصادی به ابزاری برای قدرت و رقابت تبدیل شدند. موردتوجه قرار گرفتن اقتصاد در ژئوپلیتیک به شکل‌گیری مفهومی بنام ژئواکو نومی منجر شد که در آن به طور کلی مباحثی نظیر پیامدهای ژئوپولیتیک پدیده‌های اقتصادی و پیامدهای اقتصادی روندهای ژئوپلیتیک موردبررسی قرار می‌گیرد. ژئواکو نومی در حقیقت ادامه منطق ژئوپلیتیک و ترکیب آن با ابزارهای اقتصادی در عصر کنونی است و با وجود اینکه به عنوان شاخه یا رویکردی در ژئوپلیتیک است، ولی تفاوت‌هایی با ژئوپلیتیک به ویژه در زمینه‌هایی همچون تعدد زیاد بازیگران، پیچیدگی، توسل به ابزارهای متعدد و متنوع قدرت نرم دارد .این مفهوم هم در روابط بین‌الملل و هم سیاست‌های داخلی و کشورداری مورد توجه قرار گرفته است و کشورهایی که این رویکرد را د نبال می‌کنند به بازیگران مهم عرصه بین‌المللی تبدیل شده‌اند. یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یابی اقتصاد در عرصه‌ی جهانی است، در حال حاضر، قدرت اقتصادی، تعیین‌کننده‌ی جایگاه و نقش کشورها در نظام بین‌المللی است. زیرا مفهوم سنتی قدرت بر پایه قابلیت‌های نظامی تا حدود زیادی تحت تأثیر مضمون جدید قدرت بر اساس توانایی‌های اقتصادی و فنّاورانه قرار گرفته است. از این رو، مناطقی که ازنظر انرژی غنی باشد، اهمیت می‌یابند و در نتیجه، در نظام جدید جهانی، مناطق ژئواکونومیک اهمیت بیشتری خواهند یافت.

در نظریه‌های ژئواکونومیکی که در اوایل قرن بیست و یک مطرح شده، خلیج‌فارس موقعیت بی‌نظیری پیدا کرده است؛ به طوری که هیچ منطقه‌ای در جهان نمی‌تواند از این نظر با آن رقابت کند. این عوامل موجب شده تا حوزه خلیج‌فارس در نظام جدید جهانی، بیش از گذشته مورد توجه ایالات متحده آمریکا قرار گیرد. چراکه، بر اساس نظریه مرکز مرکزهای یوردیس فون لوهازن، در مرکز جهان، خاورمیانه واقع شده است و در مرکز خاورمیانه خلیج‌فارس قرار گرفته که در شمال غربی آن نقطه‌ای به نام اور قرار دارد که از دو طرف با رودخانه‌های دجله و فرات به یک اندازه فاصله دارد. از این طریق تسلط بر این نقطه می‌توان بر خلیج‌فارس حاکم شد و تسلط بر خلیج‌فارس، کنترل خاورمیانه و حتی کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی را ممکن سازد. کشور ایران موقعیت ممتازی در بین کشورهای خاورمیانه دارد. سرزمینی حائل بین دریای مدیترانه و شرق آسیا و نیز بین روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و منطقه بسیار استراتژیک خلیج‌فارس و آب‌های آزاد است. موقعیت جغرافیایی ایران توان بالقوه بی‌نظیری در بعد ژئواکونومیک دارد. از طرف دیگر دارای انرژی (نفت و گاز) زیاد است، به‌گونه‌ای که رتبه دوم ذخایر ثبت شده نفت و گاز در جهان را دارا است. و هر روز نیز بر تعداد ذخایر کشف شده افزوده می‌گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

همچنین ازنظر محصولات غیرنفتی، معادن، تولیدات فرش، پوست و... دارای سهم قابل‌توجهی در صادرات است. ج.ا.ایران با ۱۶۵ میلیون هکتار اراضی کشاورزی دارای ظرفیت عظیمی از تولیدات گوناگون کشاورزی و حدود ۲۵ درصد جمعیت ایران در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. با توجه به تنوع آب‌وهوای ج.ا.ایران، امکان تولید محصولات گوناگون کشاورزی در نقاط مختلف فراهم است.

ایران با دارا بودن درصد قابل‌توجهی از ذخایر انرژی نفت و گاز جهان از نقش متناسبی با ذخایر انرژی خود در بازارهای جهانی برخوردار نیست. با وجود آنکه در قلمروهای ژئواکونومی جدید، ایران دارای نقش بی‌بدیل به‌ویژه در منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج‌فارس است اما از رهبری ژئوپلیتیکی منطقه و قدرت تأثیرگذاری بر سیاست‌های انتقال انرژی برخوردار نیست. چندین دهه است که تلاش‌های فراوانی در جهت رفع مسائل اقتصادی کشور صورت گرفته است که بعضاً به نتایج خوبی نیز منجر شده است ولی با این حال همچنان مسائل فراوانی وجود دارد که لاینحل مانده است... امروزه بخش زیادی از مسائل اقتصادی در کشور اگرچه در ظاهر اقتصادی هستند، ولی در حقیقت از نوع سیاسی و ژئوپولیتیک هستند .ا نزولی سیاسی و ژئوپلیتیک که در دهه‌های اخیر بر کشور چه از سوی نیروهای داخلی و چه خارجی تحمیل‌شده است یکی از مسائل عمده‌ای است که بخش‌های زیادی از مسائل اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. هرگونه انزوا از نظر اقتصادی یک دافعه محسوب می‌شود و مزیت‌های کشور را از بین می‌برد . علاوه بر آن انزوا موجب توجه به سیاست‌های خودکفایی ولو به هر قیمت شده و به مسئله تولید در شرایط عدم مزیت دامن میز د که توجیه اقتصادی نداشته و منابع ملی را تحت‌فشار قرار می‌دهد. به طور کلی انزوای هر سیستمی موجب بالارفتن آ نتروپی مثبت شده و آن را به سمت نابودی می‌برد. ا نزوای اقتصادی موجود در کشور کاملاً برخلاف اصول و مبانی رویکرد ژئواکو نومیک است و در عصری که همه رقبا این رویکرد را مورد توجه قرار داده ا ند عدم انطباق با آن به طور خودکار مزیت رقابتی را در بیشتر زمینه‌ها تقلیل می‌دهد که به معنی کاهش قدرت ملی است. با این وضعیت چنانچه به زیرساخت‌ها و بسترهای ژئوپولیتیکی و ژئواکو نومیکی اقتصاد کشور توجه نشود، بهترین برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای کارایی خود را از دست خواهند داد چرا که ا نزوای ژئوپولیتیکی به ا نزوای سیاسی و اقتصادی و در نتیجه عدم کارکرد بر اساس مزیت‌ها که یک اصل مسلم اقتصادی است منجر می‌شود و هرگونه تولید و فعالیت اقتصادی برم بنای عدم مزیت، توجیه ندارد و در بازارهای جهانی نیز قابل‌رقابت و فروش نیست که این امر جایگاه و روابط ژئواکونومیک کشور را در سطح بین‌الملل مختل می‌کند.

هم‌اکنون کشور ایران به‌صورت بالقوه یکی از کشورهای مؤثر و قدرتمند جهان است. اما از آنجایی که سیاست خارجی و عملکرد دولت‌ها متأثر از محیط ژئوپلیتیک بوده و مستلزم نقش‌آفرینی و ایجاد شرایط تعاملی متناسب در مجموعه‌ای از رفتارهای مکانی و زمانی آنان است، لذا جمهوری اسلامی ایران نیز علی‌رغم برخورداری از موقعیت منحصربه‌فرد استراتژیکی فاقد جایگاه مطلوب در صف‌بندی‌های نظام بین‌الملل بوده و کماکان با رشد روزافزون هزینه‌های بین‌المللی مواجه است. گشایش در این مسئله نیازمند تحقق درکی متقابل از شرایط زمان و مکان و نیز دستیابی به سطوحی مطلوب از تعاملات پایدار ژئوپلیتیکی بخصوص با همسایگان و قطب‌های قدرت بین‌المللی است. بااین‌حال ج.ا.ایران در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی و بخصوص پیرامون مربوط می‌شود با شرایط و واقعیت‌هایی مواجه است که در تعاملات سیاسی و روابط

www.SID.ir

Archive of SID

ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی باید موردبررسی و توجه ویژه قرار گیرد. از این رو توجه لازم در بـه‌کـارگیری ابزارهـای بهینه برای استفاده مؤثر از فرصت‌ها و فضای جاری در ژئواکونومی جهانی و تأثیرات آن بر توسـعه روابـط منطقـه‌ای در استراتژی سیاست و روابط خارجی ایران، ضمن کمک به پایداری و برخورداری این کشور از تعـادل اسـتراتژیکی با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، گشایشگر فضایی مطلوب در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشـور بـر محـور مبانی ژئوپلیتیک و هماهنگ با تحولات ژئواکو نومی خواهد بود. به‌طورکلی چنانچه کشور ایران بخواهد قدرت ملـی خود را ارتقاء بخشد، لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های منطبق با رویکرد ژئواکونومیک را بـا همـه لـوازم آن پیگیـری نماید. با توجه به معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا، ج.ا.ایران با ایجاد روابـط حسـنه بـا کشـورهای منطقـه و اجرای سیاست تنش‌زدایی و استفاده از ظرفیت‌های ژئواکـو نـومی ویـژه‌ای کـه در ایـن منطقـه حسـاس جهـان دارد می‌تواند به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه صـادرات انـرژی و بـازیگری تسـهیل گـر در انتقـال انـرژی بـوده و در برآوردهای جهانی به عنوان بازیگر اول در این منطقه لحاظ گردد.

References

Akhbari, Mohammad, 2006, Western strategy is weakening the geopolitical power of the Islamic world. Mission Magazine.

Akhbari, Mohammad, 2004, the Geopolitical Structure of the World and Its Impact on the Middle East, Proceedings of the First Scientific Congress of the Iranian Geopolitical Society.

Amini, Hassan and Ali Jan Moradi Jo, 2009 the Impact of 9/11 on Iran's Security, Moderation Publications, Qom.

Elahi, Homayoun, 2009, Persian Gulf and its Issues, Qomes Publishing.

Brzezinski, Zbigniew, 1993, Out of Control, Translated by: Granddaughter of Abraham, Tehran: Information.

Sheikh Attar, Alireza, 2006, Energy and National Security Diplomacy, Ministry of Foreign Affairs Publications.

Forward, Fard, Zahra and Mohammad Ali Rahmani, 2011, Iranian-American Territory in the Middle East, Geographical Organization of the Armed Forces Publications.

Zein al-Abedin Amouqin, Youssef, 2007, Introduction to Advanced Political Geography, Inscriptions by Gill Publishing, Rasht.

Zeinul Abedin Amouqin, Yousef, 2017, Geopolitics (Idea-Carbide) Islamic Azad University of Rasht Branch.

Mortazavi, Khodayar, Fariba Ali Karami, 2014, Geoeconomics of the Middle East and Globalization of Economics, Journal of Politics, Faculty of Law, Fall 2014, Tehran.

Johnston, Arji et al., 2004, the Geography of Global Transformation.

Jafari Woldani, Asghar, 2009, Challenges and Conflicts in the Middle East, Institute for Strategic Studies.

Ezzati, Ezzatollah, 2005, Geoeconomics of Energy and its Security Consequences on Three Countries Iran, Pakistan and India, Iranian Geopolitical Quarterly.

Ezzati, Ezzatollah, 2006, American Strategy in the Persian Gulf, Diplomatic Citizen, 9/11/2006.

Rashno, Nabiollah, 2013, Iranian Geopolitics and Economic Diplomacy, National Center for Globalization Publication, Presidency.

Safavi, Seyyed Yahya, (2001), Introduction to Iranian Military Geography, Volume Three, Geographical Organization of the Armed Forces, Imam Hussein University, Tehran

Nami, Mohammad Hassan, Alireza Abbasi, 2009, Analysis of Iran's Geoeconomic Position in the Middle East, Geopolitical Quarterly, fall 2009.

Ezzati, Ezzatollah, (2007), The Middle East's Position in 21st Century Geopolitical Developments Based on the Persian Gulf and the Islamic Republic of Iran (International Security Book 1), Publication of the Institute of Contemporary Studies and Research, Abrar, Tehran.

www.SID.ir

Archive of SID

Mokhtari Hashi, Hussein, 1977, explaining the Concept of Geoeconomics (Geopolitical Economics and Recommendations for Iran) Geopolitical Quarterly, summer 1977.
Soleimani, Mohammad Bagher, 2000, Actors in the Middle East Peace Process, Department of State Press and Publication, Tehran.
Koulaie, Elaheh, 2000, Eco and Regional Convergence, Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies, Tehran.
Kemp, Jeffrey and Robert Harkavi, 2004, Middle East Strategic Geography Volume 1 and 2, Translated by: Seyyed Mehdi Hosseini Matin, Strategic Research Institute, Tehran.
Heydari, Gholamhossein, 2005, The Geopolitical Perspective of the World in the 21st Century, International Security Book 3, Tehran Institute of Contemporary Culture and International Studies.
Taghavi Asl, Seyyed Atta, 2000, Iran's New Geopolitics: From Kazakhstan to Georgia, Department of State Press and Publications, Tehran.
Naderi Ghotbeddini, Abbas and Seyed Qasem Zakeri, 2004, Middle East Book 1 on Middle East Issues and Charts, Abrar Contemporary Publishing, Tehran.
Fast, Lewis, 2007, International Relations in the Middle East, Translated by: Ahmad Sultani Nejad, Department of State Press and Publication, Tehran.
Miles Afshar, Farahnaz, 2012, Investigating the Position of Geopolitics and Geoeconomics in the Components of National Power of Iran, Quarterly Journal of Policy Making, spring 2012.
Veisei, Hadi, 2008, Geography of the Persian Gulf, Geopolitical Society of Iran.
Mojtahedzadeh, Pirouz, 2002, Political Geography and Geographical Policy, Khome Publications, Tehran.
Mehrabi, Alireza and Hossein Mahdian, 2008, Iranian National Energy and Security, Selected Publication.
Molla'i, Alireza, 2003, a Critique of Geopolitical Readings, Imam Bagher Research Assistant.
Movahedian Attar, Rasool, 2007, the Perspective of the Greater Middle East, the Rise and fall of National Governments, Foreign Ministry Press and Publication Center, Tehran.
Mousavi, Mir Tayeb, 2005, the World Economic-Political Issues of Oil, Democracy Press, Tehran.

Latin resources
world energy 2013, compasing energy futuers 2050
british peter 2009
energypost 24 1398
www.trt.net.tr nov 2017
https://www.aa.com 2018
blackwill and harris 2016

www.SID.ir